

عنوان مقاله:

خوانشی از قصیده منطق الطیر خاقانی بر پایه نظریه بینامتنیت

محل انتشار:

پژوهشنامه ی متون ادبی دوره ی عراقی، دوره 4، شماره 1 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

نویسندگان:

قادر پریز - استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

ابوالفضل محبی - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

خلاصه مقاله:

قصیده منطق الطیر خاقانی یکی از نمونه های درخشان ادب فارسی است. این قصیده همچنین از نمونه های قابل توجه زبان و سفر مرغان است. شماری پرنده در فصل بهار گرد هم آمده و هریک ستایش گر گلی هستند و درباره برتری گل مورد نظر خود استدلال می کنند. در این پژوهش کوشیده ایم بر پایه نظریه بینامتنیت و با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر مطالعات اسنادی، از زاویه تازه ای به بررسی این قصیده پردازیم. نظریه بینامتنیت یکی از شیوه های بررسی متن است که توسط ژولیا کریستوا و تحت تاثیر نظریه منطق مکالمه میخائیل باختین شکل گرفته است. اساس این نظریه چنین است که متن را بر پایه مکالمه و تعامل با دیگر متن های پیش و پس از خود تبیین معنایی می کند؛ زیرا معنا نتیجه گفت و گوست و گفت و گو شیوه های مختلفی دارد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که این متن (قصیده) محل تلاقی گفتمان های گوناگون اعم از گفتمان موسیقی، عرفانی فلسفی، حماسی، دینی، تاریخی و ادبی است. تمامی این گفتمان ها همچون تکه های پازل در شکل گیری این متن (قصیده) دخالت دارند و سرانجام همگی در فرم شعر به وحدت رسیده اند.

کلمات کلیدی:

بینامتنیت، گفتمان، خاقانی، قصیده، منطق الطیر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1774644>

